

بررسی و نقد کتاب خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی

علی جان عادل^۱

چکیده

مطالب پیشرو نقدی است بر کتاب «خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی». نویسنده کتاب^۱ ابراهیم متقی تلاش کرده در آن شاخص‌های خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی را در ارتباط با سیاست و امنیت خاورمیانه، به تصویر بکشد. در نوشتار حاضر، چگونگی انعکاس نمادهای هویتی - فرهنگی خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی، تحلیل و نقد شده است. یافته‌های محوری این اثر نشان می‌دهد رویکرد مبتنی بر خاورمیانه اسلامی، انعکاس هویت‌یابی دینی و اعتقادی گروه‌های اجتماعی سرکوب شده در خاورمیانه است و رویکرد خاورمیانه بزرگ مبتنی بر اندیشه و سیاست گروه‌هایی است که بر معرفی شدن سیاست در خاورمیانه، تأکید می‌کنند. درستی این دیدگاه، مورد تأمل قرار دارد؛ زیرا، اثر فوق‌الذکر از کاستی‌های ساختاری، روشی و محتوای مهم، رنج می‌برد. دو گفتمان (گفتمان خاور میانه بزرگ و گفتمان خاورمیانه اسلامی) هر یک شکل خاصی از اندیشه‌ها و رهیافت استراتژیک را در سیاست و امنیت خاورمیانه، به وجود آورده است.

واژگان کلیدی

خاورمیانه بزرگ، خاورمیانه اسلامی، سیاست و امنیت، نماد هویتی خاورمیانه

۱. دانشجوی دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع تاریخ و سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی العالمیه قم، alijan_adeli@miu.ac.ir

مقدمه

«خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی» کتاب ارزشمندی در زمینه معرفی دو گفتمان؛ یعنی گفتمان خاورمیانه اسلامی و گفتمان خاورمیانه بزرگ است. در این نوشتار پس از معرفی کتاب و نویسنده در مرحله نخست، کتاب از نگاه ساختاری و روشی مورد ارزیابی قرار گرفته و در ادامه محتوای آن، تحلیل و بررسی می‌شود. کتاب فوق‌الذکر درشش فصل ب این عناوین دسته‌بندی شده است:

- فصل اول: هویت و مقاومت در تاریخ سیاسی خاورمیانه؛
- فصل دوم: شاخص‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه؛
- فصل سوم: نشانه‌های فرهنگی - هویتی خاورمیانه؛
- فصل چهارم: اهداف جهان غرب از سازماندهی خاورمیانه؛
- فصل پنجم: تأثیر هویت انقلاب اسلامی بر تئوری خاورمیانه بزرگ؛
- فصل ششم: خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی در دوره اوباما.

البته برخی کاستی‌ها و نواقص در هر نوشته یافت می‌شود و هیچ نویسنده‌ای این ادعا را نداشته که اثرش کامل و بدون نقص است ولی در این میان، در برخی نوشته‌ها دقت فراوان شده و نواقص و کاستی‌های آن به حداقل ممکن، کاهش داده می‌شود. نقد این گونه آثار مشکل است و کتاب فوق‌الذکر از این دسته دوم است و در نگارش و تدوین آن، دقت فراوان شده اما با این‌وصف از جهاتی قابل نقد و ارزیابی، است.

۱. معرفی کتاب و مؤلف

الف. مؤلف

نویسنده کتاب «خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی» ابراهیم متقی (متولد ۱۳۳۸)، فارغ‌التحصیل از دانشگاه اصفهان در مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی می‌باشد. ابراهیم متقی، استادیار در گروه آموزشی جامعه‌شناسی، پژوهشگر علوم سیاسی و استاد و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. نویسنده علاوه بر استادیاری در دانشگاه، در مراکز و برنامه‌های مختلف علمی ذیل، فعالیت دارد؛ عضو هیئت تحریریه دوفصلنامه «پژوهش سیاست نظری»، سردبیر مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، عضو هیئت تحریریه فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، عضو هیئت تحریریه فصلنامه مطالعات راهبردی آمریکا، عضو کمیته علمی هیئت داوران دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، مکتب

شهید سلیمانی، الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز (۱۳۹۹) و داور اجلاسیه کرسی نظریه‌پردازی نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده (۱۳۹۶). ابراهیم متقی دارای بیش از ده‌ها مقاله علمی است که تا کنون در نشریات معتبر و علمی، به نشر رسیده‌اند. (وبگاه، سیویلیکا، مرجع دانش، ۱۴۰۱/۴/۱۲)

ب. کتاب

کتاب «خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی» اولین بار توسط انتشارات کانون اندیشه جوان در سال ۱۳۹۴ به نشر رسیده است؛ کتاب دارای ۳۳۴ صفحه با جلد رقی (شومیز) است. طرح روی جلد آن عکس جمعیتی از مردم با دست‌های به هم گره کرده دیده می‌شود که حاکی از ایده و نظریه مؤلف است. محتوای کتاب به ترتیب و شرح ذیل، دسته‌بندی شده است:

۱. «هویت و مقاومت در تاریخ سیاسی خاورمیانه»؛ مهم‌ترین مطالب این بخش را عناوین ذیل تشکیل می‌دهند: تاریخ سیاسی خاورمیانه در دوران تمدن اسلامی، تاریخ سیاسی خاورمیانه در دوران ظهور امپراطوری عثمانی، تاریخ سیاسی خاورمیانه در دوران ظهور استعمارنو، وابستگی ساختاری و مقاومت فرهنگ خاورمیانه در عصر استعمارنو، تحولات ساختاری خاورمیانه، تأثیر جنگ جهانی اول بر تحول ساختار خاورمیانه، تأثیر انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری هویت مقاومت در خاورمیانه.

۲. «شاخص‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه»؛ در این بخش به عوامل جغرافیایی سیاسی و نقش کشورهای تعادل‌گرا و کشورهای کنترل‌گرا، پرداخته و همچنین نقش قدرت‌های بزرگ که در ژئوپلیتیک خاورمیانه به‌عنوان بازیگران سیاسی منطقه حضور مؤثر دارند، بررسی شده است.

۳. «نشانه‌های فرهنگی - هویتی خاورمیانه»؛ در این قسمت نشانه‌های هویتی فرهنگی خاورمیانه بررسی شده و نیز نقش شاخص‌های دینی و رشد گسترش اسلام سیاسی در خاورمیانه، معرفی و تحلیل شده است.

۴. در این فصل به مهم‌ترین اهداف آمریکا از سازماندهی خاورمیانه بزرگ، تمرکز شده است؛ مانند مشروعیت‌زدایی در دولت‌های خاورمیانه، مقابله‌گرایی خوشه‌ای با تهدیدهای امنیتی خاورمیانه بزرگ، مشروعیت‌یابی اهداف استراتژیک آمریکا، کنترل فرهنگ و فرایندهای سیاسی خاورمیانه.

۵. تأثیر هویت انقلاب اسلامی بر تئوری خاورمیانه بزرگ، ارزیابی شده و نویسنده بر این باور است که انقلاب اسلامی موج بیداری اسلامی را در خاورمیانه گسترش داده و گفتمان مشارکت سیاسی هویت‌گرا را به ایدئولوژی سیاسی مقاومت در خاورمیانه، تبدیل کرده است.

۶. روند بازسازی طرح خاورمیانه بزرگ در دوره «اوباما» را، توضیح می‌دهد و این که انتخاب نماینده‌های منطقه‌ای از سوی ریاست جمهوری آمریکا در خاورمیانه عربی و خاورمیانه خلیج فارس چه پیامدهای داشته و چگونه با حکومت‌های اقتدارگرا مقابل شده و بر جنایات اسرائیل، سرپوش گذاشته شده است.

۲. نقد کتاب

۲-۱. نقدی صوری و ساختاری

در کتاب به روش تحقیق آن اشاره نشده و این نقص موجب پراکندگی و ابهام در فهم مطالب آن برای مخاطب، شده است؛ زیرا، به روشنی معلوم نیست کتاب در صدد حل چه مشکل است. هم‌چنین، مؤلف باید روشن می‌کرد محقق دیگری در موضوع مورد نظر او اثری دارد یا نه؟ اگر تحقیق دیگری در این موضوع انجام شده چه ایرادی بر آن وارد بوده تا ضرورتی برای تألیف این کتاب، احساس گردد. نوآوری صورت‌گرفته در این کتاب چیست که در تحقیقات مشابه، وجود ندارد؟ باید منابعی که در این باره تدوین شده از جمله تاریخ سیاسی - اجتماعی خاورمیانه (هوشی سادات، ۱۳۹۴: ۸۵) خاورمیانه از ظهور مسیحیت تا امروز (برنارد لوئیس، ۱۳۸۱: ۱۶۵) دولت‌نخبگان و توسعه در خاورمیانه (حافظیان، ۱۳۸۸: ۹۷) و کتاب‌های مانند آن معرفی و نقد می‌گردید. چنان‌چه در تحقیقات انجام شده به سؤالات تحقیق پاسخی داده نشده و یا پاسخ ناقص داده باشد زمینه توجیه علمی تحقیق جدید، فراهم می‌آید. مهم‌تر از آن تعیین روش پژوهش، بسیار اهمیت دارد.

نویسنده روش تحلیل تاریخی را همراه با شیوه روش گفتمان؛ یعنی گفتمان خاورمیانه اسلامی و گفتمان خاورمیانه بزرگ به کار گرفته اما در هیچ جا از کتاب به این موضوع به روشنی، اشاره نشده است.

به نظر می‌رسد یک نقد و اشکال اساسی در فصل‌بندی کتاب دیده می‌شود خصوصاً در جابه‌جای فصل اول و دوم. لازم بود که شاخص‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خاورمیانه را در فصل اول ذکر می‌کرد تا خواننده با جغرافیایی منطقه‌ای و سیاسی به‌خوبی آشنا شده و آنگاه بحث مقاومت در تاریخ سیاسی خاورمیانه را مطرح می‌کرد. شاید از آنجا که نویسنده در فصل

اول بحث هویت را مطرح کرده و مقاومت را هم جزء از هویت خاورمیانه در نظر گرفته، این خلط به وجود آمده است. برخی عناوین به کار گرفته شده در متن مغلط و نارساست؛ مانند هویت و مقاومت در تاریخ سیاسی خاورمیانه. نویسنده مقاومت را از جمله هویت خاورمیانه، مسلّم گرفته است در حال که مقاومت در بخش از زمان و مربوط به برخی از کشورهای خاورمیانه است. بنابراین، مقاومت را می‌توان به‌عنوان بخشی از هویت خاورمیانه فرض کرد نه در همه‌ی زمان و در تمام جغرافیایی سیاسی آن. همچنین، ارتباط عنوان «نقش سیاست بین‌المللی در شکل‌بندی‌های ژئوپلتیکی» با آن چه در محتوا به آن پرداخته شده، خیلی گویا نیست.

فقدان چارچوب نظری

آنچه نویسنده به آن پرداخته موضوع جدیدی نیست بلکه نویسندگانی پیش و پس از او، به آن پرداخته است. بی‌توجهی در به‌کارگیری چارچوب نظری، عیوب فراوان دیگری را برای این اثر و هر نوشته‌ی دیگر فراهم می‌آورد که پراکنده‌گویی گم‌گشتگی هدف، از آن جمله است. البته تقید یک کتاب به ارائه یک چارچوب یا چارچوب‌های نظری، به معنای پذیرش یکی از آنها یا همه آنها نیست بلکه نویسنده باید عالمانه بکوشد از این نظریه‌ها بهره بگیرد و در مرحله بعدی از آنها برای رسیدن به نظریه جدیدتر و جامع‌تر که مستند و قابل دفاع است، استفاده کند. (شبرودی، ۱۳۶۹: ۱۶۰)

۲-۲. نقد محتوایی

الف. ایراد مفهومی

ضرورت ارائه تعریف از مهم‌ترین واژگان کلیدی به‌کاررفته در یک متن، اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا، بدون آن خواننده و یا مخاطب اگر چه ممکن است با نویسنده تا خط پایان برود اما در پایان خط این پرسش برای خواننده پیش خواهد آمد که منظور نویسنده از واژه‌ای مثلاً مقاومت در خاورمیانه و مانند آن، چیست؟ این اشکال در کتاب مذکور مشاهده می‌شود. لازم بود فصل جداگانه به مفاهیم واژگان کلیدی می‌پرداخت و یا حداقل در هر فصل به مفاهیم واژگان کلیدی آن فصل، اشاره می‌شد.

ب. غفلت از چالش‌های موجود در خاورمیانه

تاریخ سیاسی خاورمیانه آکنده از رنج و درد، بوده و چالش‌های آینده هم هولناک و هم بی‌شمار است. در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰م، وظیفه‌ای اصلی که در برابر نخبگان و توده‌های

خاورمیانه قرار داشت ایجاد و احیاء موجودیت‌های سیاسی و ارضی از میان خاکسترهای امپراتوری عثمانی و یا ساخته و پرداخته‌های قدرت‌های استعماری، اروپایی بود. اما چالش‌های که امروز فراروی خاورمیانه قرار دارد با چالش‌های گذشته تفاوت کیفی بسیار دارد. (قالیباف، ۱۳۸۸، ۴۰۲) عمده چالش امروزی، نظم و ثبات منطقه است؛ خصوصاً در حوزه عربی که همچنان در موضع ضعف به سر برده و از تأثیرگذاری اندکی برخوردار است. (هوشی سادات، ۱۳۹۴، ۳۴۵) سیاست فعلی در خاورمیانه گیج‌کننده، پرهرج و مرج و خشونت‌بار به نظر می‌رسد و سیاست‌ها در آن تحت تأثیر یک تناقض، قرار دارد. (حافظیان، ۱۳۸۸، ۱۰۲) این بخش از چالش‌های خاورمیانه معاصر است که چندان در این کتاب انعکاس، پیدا نکرده است.

ج. منحصر کردن طرح خاورمیانه به یک علت

به عقیده نویسنده طرح خاورمیانه بزرگ پس از تحرکات جنبش‌های اسلامی با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران، به وجود آمده است. اما به اذعان بسیار از نویسندگان، طرح معروف به خاورمیانه بزرگ، نخستین بار در اواخر سال ۲۰۰۳ میلادی از جانب امریکا و کشورهای عضو گروه ۸ به منظور ترویج اصلاحات سیاسی و اقتصادی در منطقه، مطرح شد. ظاهراً بهانه این طرح گزارشی بود که در چند سال پیش از آن توسط برخی سازمان‌های جهانی؛ مانند بانک جهانی و سازمان ملل متحد در باره جهان عرب و خاورمیانه مبنی بر رعایت‌نشدن حقوق بشر و حقوق زنان، منتشر شده بود. (عطایی، ۱۳۹۲، ۱۸۸) شاید به وجود آمدن جنبش‌هایی رادیکال اسلامی یکی از علل این طرح باشد. اما نمی‌تواند آن را اصلی‌ترین علت دانست. (منسفیلد، ۱۳۸۸: ۲)

به صورت کلی نویسنده در صدد انعکاس این پیام است که امریکا با بهره‌گیری از جنبه‌های مختلف قدرت نرم خود، در حال اجرای شکل‌گیری خاورمیانه بزرگ در واکنش به خاورمیانه اسلامی و کنترل این منطقه از طریق تحریک جنبش‌های رادیکال و نیروهای سکولار است و این باعث شده که خیلی چالش و رخداد‌های مهم خاورمیانه در دوران معاصر، مسکوت بماند.

اشکال و نقد دیگر کتاب تناقض در مطالب فصول بیان شده است؛ آن چه از مطالعه این کتاب در آغاز به دست می‌آید اهمیت خاورمیانه به دلیل منابع و زخایر اقتصادی است. به عقیده نویسنده خاورمیانه از نگاه جغرافیایی مرکز تقاطع قاره‌های اروپا، آسیا، آفریقا است و در این حوزه جغرافیایی رقابت‌های اقتصادی به موازات کشمکش‌های سیاسی شکل گرفته است. از نگاه نویسندگان تمام درگیری‌ها و کشمکش در خاورمیانه صرفاً جنبه اقتصادی دارد اما در

قسمت‌های دیگر این کتاب مطالبی را بیان می‌کند که به‌نوعی در تضاد با این گفتار است. خاورمیانه علاوه بر مسائل اقتصادی از جهت فناوری و ایدئولوژی دینی نیز مهم است: به‌طور کلی اهمیت خاورمیانه تحت‌تأثیر چند موضوع اصلی قرار دارد: فناوری، ایدئولوژی‌های سیاسی-دینی.

واقعیت این است که کشمکش‌های خاورمیانه به‌خاطر مسائل متعدد است. مسائل اقتصادی و سیاسی در کشمکش‌های خاورمیانه از زمان‌های دور اهمیت داشته و به گفته یکی از پژوهشگران و نویسنده‌ای غربی، خاورمیانه در آغاز هزاره دوم ق.م. از دولت‌های رقیب متعددی تشکیل می‌شده که بر سر سلطه سیاسی باهم در ستیز بودند. (استیون برک، ۱۳۹۴: ۱۵۴) کشمکش‌ها در خاورمیانه بر سر مسائل اقتصادی و قدرت، تاریخ چندهزارساله دارد.

د. کاستی در ترسیم هویت و مقاومت در تاریخ سیاسی خاورمیانه

آنچه از عنوان فصل اول برداشت می‌شود «مقاومت» به معنای نیروی کنش‌گر و عنصر اصلی هویت سیاسی خاورمیانه است اما وقتی وارد متن می‌شویم مسائل غیر از «مقاومت» بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ مانند منابع و ذخایر اقتصادی و ژئوپلیتیک منطقه.

بدون تردید خاورمیانه از نگاه منابع از جمله غنی‌ترین کشورهای جهان است. به همین دلیل همواره مورد کشمکش‌های ابرقدرت‌ها، قرار داشته است. قدرت‌های بزرگ همواره در صدد کنترل منابع اقتصادی کشورهای خاورمیانه بوده‌اند، مثلاً:

امپراتوری روم، آتن و بیزانس به دلیل اهمیت ذخایر دانه‌ای این منطقه، نیروهای نظامی خود را در آن جا فرستاد. چنان چه نویسندگان در جای‌جای این کتاب اشاره داشته درختان سرو در لبنان، برای تهیه الوار، برای بناکردن معابد و کاخ امپراتوری در اروپا بوده‌اند. در قرون وسطی تجار اروپایی می‌کوشیدند نیازهای اقتصادی خود را به‌ویژه ابریشم و ادویه را از شرق، تهیه کنند. به‌موازات اهمیت منابع اقتصادی در این منطقه، شرایط ایجاد راه‌های زمینی و کانال‌کشی دریایی برای تردد کشتی‌های تجاری، به وجود آمد.

خاورمیانه می‌توانست بازار کشورهای خلیج فارس، آسیای جنوب غربی، شبه‌قاره هند و آسیای شرقی را به اروپا، متصل کند.

با توجه به شواهدی از منابع دیگر، نویسندگان در رابطه منابع و ذخایر کشورهای خاورمیانه و اهمیت آن به‌درستی اشاره نموده اما باید در نظر داشت که کشمکش‌های خاورمیانه تنها مسائل اقتصادی نبوده هرچند نقش عمده در موردتوجه قرار گرفتن کشورهای خاورمیانه،

داشته است. مسائل سیاسی و اسلام‌ستیزی کشورهای غربی و اهمیت جغرافیایی خاورمیانه هم در این جهت، دخالت فراوان داشته است. یکی از مهم‌ترین مسائل قابل توجه در هویت‌یابی تاریخ سیاسی خاورمیانه، مسئله جغرافیایی است. خاورمیانه از نگاه جغرافیایی مرکز تقاطع قاره‌های اروپا، آسیا، آفریقا به شمار می‌آید. در این حوزه جغرافیایی رقابت‌های به موازات کشمکش‌های سیاسی، شکل گرفته است.

به‌طور کلی اهمیت خاورمیانه تحت تأثیر عوامل فوق زمینه حضور گروه‌های مذهبی مختلف را به وجود آورد. انگیزه تجارت عامل اصلی مهاجرت محسوب می‌شود. کشف نفت در کشورهای خاورمیانه موقعیت این منطقه را دگرگون کرد. می‌توان مسئله نفت خاورمیانه را یکی از موضوعات برنامه‌ریزی استراتژیک قدرت‌های بزرگ، دانست.

ه. غفلت از مسئله فلسطین

بدون شک یکی از تحولات مهم خاورمیانه مسئله فلسطین است و در این کتاب هم به مسأله اسرائیل پرداخته شده است اما مسأله فلسطین خصوصاً تحولات اخیر به‌خوبی بازتاب نیافته است. به نظر برخی خاورشناسان، در گذشته در مورد بی‌عدالتی در فلسطین سکوت مطلق، حاکم بوده اما در دوران معاصر و در سایه تحولاتی که رخ داده سکوت مطلق در مورد بی‌عدالتی در آن‌جا حاکم نیست و این دست‌آورد خوبی است. در چند هفته بعد از حمله اسرائیل به غزه، جامعه بین‌المللی شاهد فعالیت‌های صلح‌آمیز دانشگاهی بود؛ دانشگاهیان با امضای چندین طومار بر علیه جنگ اسرائیل پرداخته و در روز نامه‌های کثیر الا انتشار جهان، چاپ شد. (ذکریان، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

و. کاستی در تبیین روابط سیاسی خاورمیانه با کشورهای اروپایی

روابط سیاسی خاورمیانه با ملل اروپایی به‌عنوان نشانه دیگر از هویت تاریخ سیاسی خاورمیانه به شمار می‌آید. این موضوع باید به‌صورت اساسی مورد توجه قرار می‌گرفت. روابط سیاسی و اجتماعی خاورمیانه با کشورهای اروپایی به دوران قبل از اسلام بر می‌گردد. در این دوران خاورمیانه مانند بین‌النهرین، تمدن نا پایدار داشته است. این تمدن اولین قواعد حقوق اجتماعی شهروندان نسبت به دولت را، تعیین کرد. در این دوران کشورهای اروپایی درگیر جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. ظهور اسلام در شبه‌جزیره عربستان معادله قدرت در روابط گروه‌های اجتماعی خاورمیانه با کشورهای اروپایی را تحت تأثیر، قرارداد. این امر نقطه عطف جدیدی در تحولات سیاسی خاورمیانه بوده است.

گروه‌های مسلمان خاورمیانه پس از ظهور اسلام محور تجارت منطقه‌ای محسوب می‌شدند؛ آنان توانستند پس از صد سال علاوه بر خاورمیانه، اروپای جدید اسلامی را از شمال اسپانیا تا شبه‌قاره هند، شکل بدهد. از مهم‌ترین تحولات سیاسی خاورمیانه ظهور و شکل‌گیری امپراتوری عثمانی بود است. در این دوران حکومت امپراتوری عثمانی با محوریت اسلام توانست اعتبار سیاسی و قابلیت استراتژیک خود را در خاورمیانه، تثبیت کند. در چنین شرایطی، بسیاری از کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر هویت اسلامی در قالب گفتمان امپراتوری عثمانی، قرار گرفتند. مقامات عثمانی توانستند هنجارهای سیاسی خود را در برابر هنجارهای غربی، تعریف کنند. به این ترتیب، شکل جدیدی از هویت اسلامی به وجود آمد که انعکاس اراده و قدرت امپراتوری عثمانی محسوب می‌شود. در اواخر قرن پانزدهم سرمایه‌داری اروپایی شکل گرفت، کشورهای پرتغال، اسپانیا، انگلستان، هلند، پیشگامان تحول در اقتصاد اروپا هستند. آنان پس از شکست گروه‌های اسلامی در اسپانیا عصری جدیدی را آغاز کردند. (متقی، ۱۳۹۴: ۲۸)

به عقید نویسنده کتاب، در عصر جدید اگرچه هویت خاورمیانه‌ای کارکرد خود را از دست داده اما امپراتور عثمانی توانست جلوه‌هایی از هویت اسلامی را در بسیار از کشورهای خاورمیانه، بازسازی کند. به موازات کنترل خاورمیانه، توسط امپراتوری عثمانی، نشانه‌هایی از قدرت‌یابی کشورهای اروپایی در سال‌های رنسانس مشاهده می‌شد. این امر از اوایل قرن ۱۶ هم شروع شد. دریانوردان پرتغالی توانستند بخشی از کشورهای اسلامی را کنترل کنند. حوزه نفوذ آنان در اقیانوس هند، از تنگه باب المندب شروع شده و تا جزیره هرمز، خلیج فارس و شبه‌قاره هند، گسترش یافت. بحران خاورمیانه در شرایطی شکل گرفت که از یک سو ساختار قدرت در سیاست بین‌الملل تغییر یافت و امپراتوری عثمانی بخشی از قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را از دست داد و از سوی دیگر، تحولات تکنولوژیک و اقتصادی در نظام بین‌المللی، به راه افتاد. موج دوم انقلاب صنعتی در دهه ۱۸۸۰ شکل گرفت که ماهیت اقتصاد و سیاست را در خاورمیانه دگرگون کرد. تغییر در شکل‌بندی‌های قدرت نظام بین‌الملل از اصلی‌ترین عوامل بازتولید تعارض در فضای اجتماعی خاورمیانه بود. خاورمیانه در دهه ۱۸۸۰ با تغییرات بنیادین روبه‌رشد. (متقی، ۱۳۹۴: ۳۳)

بدون تردید منابع و ذخایر اقتصادی، جغرافیایی سیاسی و روابط بین‌المللی هرکدام به‌عنوان شاخص‌ها و هویت تاریخ سیاسی خاورمیانه، محسوب می‌گردد که همواره دچار تغییر و تحول بوده است اما آنچه قابل تأمل است به قدرت رسیدن تدریجی امپراتوری عثمانی است که فصل جدید از تحولات خاورمیانه را رقم زد. به نظر بسیاری از مورخان یکی از مهم‌ترین تحولات و تغییرات سیاسی در خاورمیانه، به قدرت رسیدن تدریجی امپراتوری عثمانی بود؛ عثمانی‌ها از افول قدرت سلجوقی‌ها در آناتولی منتفع شد و پسر یکی از رؤسای محلی بنام عثمان، قلمروهای جدید را فتح

کرد (قالیباف، ۱۳۸۸: ۴۳) اما آنچه نویسند کتاب به آن اشاره دارد این است که مهم‌ترین تحولات سیاسی خاورمیانه زمانی است که امپراتوری عثمانی قدرت خود را از دست می‌دهد و رو به افول است. البته نمی‌توان تحولات و تغییرات این دوران را نادیده گرفت اما نمی‌شود آن را به‌عنوان مهم‌ترین تحولات خاورمیانه، ذکر کرد.

اشکال دیگر نظر دکتر متقی این است که امپراتور عثمانی توانست جلوه‌هایی از هویت اسلامی را در بسیار از کشورهای خاورمیانه، حفظ کند درحالی‌که بسیاری از مورخین تصریح کرده‌اند حکومت آنان حالت استعماری داشته و قلمرو عثمانی بیشتر جزیره محسوب می‌شدند که به درد محافظت نظامی از این سلسله در استانبول و کسب درآمد می‌خوردند؛ اگر مساجدی هم ساخته می‌شد برای آن بود که در خدمت مقاصد در بار ملوکانه در اسلام‌بول باشد. (قالیباف، همان: ۵۳)

نکته دیگر این است که مطالب آقای متقی در باره امپراتوری عثمانی و ظهور استعمارنو، خیلی کلی و گنگ است. خواننده متوجه چگونگی تغییرات سیاسی در این دوران، نمی‌شود. علاوه بر گنگ بودن آنچه در عنوان «هویت و مقاومت در تاریخ سیاسی خاورمیانه» آمده ارتباط تغییر و تحول با هویت‌یابی، معلوم نیست. آیا می‌شود تغییر و تحول را به‌عنوان هویت تاریخ سیاسی خاورمیانه، ذکر کرد؟

ز. کاستی انعکاس شاخص‌ها و نشانه‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه

در فصل دوم به شاخص‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه پرداخته شده است؛ نویسندگ کتاب مهم‌ترین شاخص خاورمیانه را، آب راه‌ها می‌دانند. خاورمیانه در احاطه پنج دریای مهم قرار دارد:

۱. دریای مازندران؛
۲. دریای سیا؛
۳. دریای سرخ؛
۴. خلیج فارس؛
۵. دریای مدیترانه.

قدرت‌های بزرگ می‌کوشند بر آب‌راه‌های بین‌المللی خاورمیانه، تسلط یابند.

به نظر می‌رسد تفکیک درستی بین عنوان فصل اول «هویت تاریخ سیاسی خاورمیانه» و فصل دوم «شاخص‌ها و نشانه‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه» صورت نگرفته است.

به عقیده اکثر مورخین، خاورمیانه از شمال تا جنوب از نگاه اقتصادی و منابع، شاخص و نمادی از تمدن تأثیرگذار منطقه‌ای بوده و جایگاه خاص خودش را داشته است اما در دوران معاصر جایگاه ساختار جغرافیایی سیاسی خود را از دست داده است. پس از جنگ جهانی اول خاورمیانه تبدیل به جغرافیایی تأثیرپذیر شد است و لذا تاریخ سیاسی خاورمیانه در چند مرحله قابل توجه است:

الف) وابستگی ساختاری اقتصادی سیاسی خاورمیانه در عصر استعمارنو؛

ب) تحولات ساختاری جغرافیایی سیاسی خاورمیانه در اواخر قرن نوزدهم؛

ج) تأثیر جنگ جهانی اول بر تحولات ساختاری خاورمیانه؛

د) تأثیر جنگ جهانی دوم بر تحولات ساختاری خاورمیانه؛

هـ) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری هویت مقاومت در خاورمیانه.

موارد ذکر شده فوق از دیدگاه نویسنده کتاب «خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی» مورد غفلت، قرار گرفته است.

به نظر نویسنده کتاب، خاورمیانه از نگاه جغرافیایی به سه حوزه عمده، تقسیم شده است:

۱- **منطقه شمالی خاورمیانه:** این منطقه ماهیت کوهستانی دارد که عبارت‌اند از کشورهای: افغانستان، شمال ایران، ترکیه، عراق، دریای مدیترانه. شاخص‌های جغرافیایی سیاسی مناطق شمالی، زمینه‌درگیری‌های دائم در این منطقه را فراهم کرده است. تاریخ سیاسی این منطقه نشان می‌دهد که همواره شورش‌هایی با حمایت خارجی در آن، شکل گرفته است. به عبارت دیگر، اگر حمایت‌های بین‌المللی وجود نداشته باشد، قدرت گروه‌های شورشی علیه ساختار داخلی، کاهش می‌یابد.

۲- **منطقه میانی خاورمیانه:** این منطقه در حد واسط منطقه کوهستانی در شمال و منطقه بیابانی در جنوب، قرار دارد. عمده کشورهای این منطقه عبارت‌اند از: اسرائیل، لبنان، سوریه، تشکیلات خودگردان فلسطین. در این منطقه نئوپلیتیکی، منابع اقتصادی زیادی از جمله منابع نفتی کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و منابع گاز قطر، واقع شده است.

۳- **منطقه جنوبی خاورمیانه:** این منطقه، امتداد حوزه آفریقا از لیبی تا مصر و سودان است. آنچه در سال ۱۹۸۰ تا مارس ۲۰۱۱ در این منطقه اتفاق افتاده انعکاس رشد اسلام‌گرایی است.

این تقسیم‌بندی به این شکل تا حدودی صحیح به نظر می‌رسد و خلاصه گفته‌های دکتر متقی این است که مهم‌ترین شاخص‌ها و نشانه‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی سیاسی منطقه خاورمیانه و منطقه جنوب آن موارد ذیل را تشکیل می‌دهد:

الف) منابع اقتصادی نفتی: منابع اقتصادی نفتی کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و منابع گازی قطر که در این منطقه واقع شده است.

ب) منابع آبی: (جنگ آب) در دهه ۱۹۹۰ موضوع جدید به نام جنگ آب در خاورمیانه مطرح شد. کشمکش‌های بر سر منابع آبی منطقه بین کشورهای ترکیه، عراق، سوریه، به وجود آمد.

ج) منطقه تمدنی بین‌النهرین: هلال خصیب در میانه خاورمیانه موقعیت دارد.

خاورمیانه در تحولات سیاسی و امنیتی نظام بین‌الملل نقش اساسی و تعیین‌کننده ژئوپلیتیکی دارد. خاورمیانه در دوران جنگ سرد «سرزمین حاشیه‌ای» محسوب می‌شد اما این منطقه در دوران جدید از جایگاه امنیتی ویژه‌ای برخوردار شده که از اعتبار ژئوپلیتیکی «قلب زمین، هارتلند» برخوردار است.

در دوران بعد از جنگ سرد شاهد تغییر در موقعیت جغرافیای سیاسی خاورمیانه هستیم. ظهور بازیگرانی مانند نیروهای مقاومت، بازیگران غیردولتی، شبه دولت، مثل حزب‌الله، سازمان حماس، سازمان فتح فلسطین، سازمان القاعده، خودمختاری کرد، دارای نقش تأثیرگذار در معادلات منطقه، هستند.

«سائول کوهن» می‌گوید: به دلیل آن که اختلاف داخلی در خاورمیانه بسیار چشمگیر است و از آنجا که کشورهای خاورمیانه در منطقه‌ای قرار گرفته که در میان چرخ‌های منافع بیگانگان خرد می‌شوند، می‌توان از آن به یک کمر بند گسسته، یاد کرد. مهم‌ترین کشورهای که در تحولات خاورمیانه نقش داشته، کشورهای ذیل اند:

۱. افغانستان و پاکستان: این دو کشور نقش کشورهای بحرانی در ژئوپلیتیک خاورمیانه را بازی کرده است.

۲. کشور ایران و عربستان: این دو کشور در صدد کنترل ژئوپلیتیک خاورمیانه هستند. نقش کشورهای تعادل‌گرا در خاورمیانه را ایفا نموده است.

ح. کاستی در بازتاب نشانه‌های فرهنگی - هویتی خاورمیانه

تحولات سیاسی خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که کنش سیاسی شهروندان خاورمیانه ماهیت هویتی و اعتقادی دارد. گروه‌های اسلام‌گرا معتقدند که اسلام شیوه زندگی سازمان‌یافته‌ای را از پیروان خود می‌خواهد و مسلمانان مسئول اند آن شیوه را در تمام ابعاد زندگی خود، تحقق بخشند.

برای تبیین شاخص‌های هویت فرهنگی خاورمیانه بزرگ، لازم است موضوعاتی مانند: هویتی دینی، فرهنگی، تاریخی و پیوندهای اجتماعی گروه‌های مختلف در هر کشور بررسی شود. در کتاب مذکور آن‌چنان که انتظار می‌رود به آن پرداخته، نشده است.

نقش شاخص‌های دینی در هویت‌سازی فرهنگی خاورمیانه، بسیار برجسته است. هویتی دینی اسلام محور پیوند گروه‌های مختلف، محسوب می‌شود. جهان اسلام تا زمان که هم‌بستگی اجتماعی و ساختاری خود را حفظ کند از قابلیت لازم برای تثبیت مزیت نسبی خویش میان کشورهای منطقه، بهره‌مند خواهد شد.

خاورمیانه، منطقه‌ای به طور کامل مسلمان‌نشین بوده که شاخص‌های اسلامی آن در فرهنگ، سیاست، روابط اجتماعی و سنت‌های رفتاری آن مشاهده می‌شود. از این میان، صرفاً لبنان در وضعیت تنوع دینی قومی و فرهنگی، قرار دارد. در سایر کشورهای خاورمیانه اکثریت با مسلمان‌هاست.

نقش اسلام در هویت‌سازی فرهنگی دینی، بر کسی پوشیده نیست. اما اسلام سیاسی را می‌توان واکنشی نسبت به فرادستی کشورهای جهان غرب، دانست. هویت دینی، عامل انسجام‌گرایی در میان مسلمانان خاورمیانه است اما هویت مذهبی برعکس زمینه ایجاد تفاوت میان گروه‌های اسلامی را، فراهم می‌آورد. تمایز مذهبی مانع هم‌بستگی کشورهای جهان اسلام می‌شود. کشورهای غربی نقش مؤثر در گسترش شکاف سیاسی و مذهبی بین کشورهای مختلف اسلامی، خاورمیانه داشتند.

در نتیجه هر مقدار هویت مذهبی انشعاب بیشتر پیدا کند هویت هم‌بستگی دینی بین مسلمانان با مشکلات بیشتر روبه‌رو، می‌شود. در خاور میانه، شیعه و سنی اصلی‌ترین تقسیم‌بندی مذهبی، محسوب می‌شود. و در میان کشورهای شیعه، ایران با اکثریت و سپس بحرین با ۸۰ درصد، عراق با ۶۵ درصد، لبنان با ۶۰ درصد، شیعیان را، تشکیل می‌دهند.

مؤلفه‌های دینی، آرمانی، قومی و زبانی جزء عوامل تشکیل‌دهنده هویت اجتماعی کشورهای خاورمیانه، محسوب می‌شوند و البته مؤلفه هویت قومی و زبانی در خاورمیانه در بسیار از کشورها باعث تعارض، شده است. به‌صورت نمونه، زبان و قومیت عرب با زبان و

قومیت عجم در هویت دینی اسلامی موجب از هم گسستگی در خاورمیانه شد و قدرت‌های بزرگ هم به شدت به آن دامن می‌زند. جنگ ایران و عراق را می‌توان به‌عنوان نمونه از تعارض هویت قومی و زبانی، دانست.

نشانه‌های هویت فرهنگی سیاسی در خاورمیانه یک سان نبوده و به‌صورت نمونه به چند گونهٔ مختلف آن، اشاره می‌گردد:

۱. نگرش اقتدارگرایی مانند مصر که تلاش می‌کند موقعیت خود را از طریق اقتدارگرایی سیاسی در خاورمیانه، تثبیت کند؛
 ۲. سنت‌گرایی قبیله‌ای مانند کشور عربستان (آل سعود)؛
 ۳. اسلام سیاسی با مدل مقاومت مانند ایران و لبنان.
- جهان غرب در صدد است شکل‌های دیگری از مقاومت را همانند اسلام سنتی لیبرال و اسلام غرب‌گرا در مقابله با اسلام سیاسی، باز تولید کند.
- به‌طور کلی، الگوهای مشترک نظم سیاسی خاور میانه، به سه دستهٔ اصلی، تقسیم می‌شود:

۱. مردم‌سالاری؛
۲. جمهوری‌های مادام‌العمر؛
۳. نظام‌های سلطنتی.

ط. اهداف اصلی جهان غرب از سازماندهی خاورمیانه بزرگ

به عقیده بسیاری از مورخین، امریکا و جهان غرب از سازماندهی خاورمیانهٔ بزرگ، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. کنترل محیط اجتماعی خاورمیانه

۱-۱. مشروعیت‌زدایی ساختاری در کشورهای خاورمیانه؛ امریکا تلاش کرد در مقابل دولت‌های منطقه از گروه‌های رادیکال حمایت کند و دولت‌های مانند سوریه را که با منافع امریکا، مخالفت می‌کردند ناکارآمد نشان دهد؛

۱-۲. مقابله‌گرایی خوشه‌ای با تهدیدات امنیتی و گروه رادیکال؛ یعنی تحولات اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر مؤلفه‌های متنوع فرهنگی، سیاسی و امنیتی قرار گیرد. بعد از ۱۱ سپتامبر، امریکایی‌ها، مقابله با گروه‌های رادیکال را در دستور کار قرار داد.

«هانتینگتون» معتقد است در دوران پس از جنگ سرد، قدرت استراتژیک امریکا در خاورمیانه به تدریج، کاهش یافته است و از این رو، بازسازی و ترمیم قدرت ملی امریکا از طریق الگوهای هویتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه شد و از مداخلات نظامی، کاسته شد.

۱-۳. بهره‌گیری از قدرت نرم در خاورمیانه؛ استراتژیست‌های نئولیبرال‌ها به این باورند که با استفاده از نیروهای نرم‌افزاری بهتر می‌توان با تهدیدات امنیتی، مقابله کرد. به صورت کلی، امریکا برای کنترل جنبش‌های داخلی کشورهای خاورمیانه، اقدام به تحریک و سازماندهی نیروها و گسترش نهادهای دموکراتیک در خاورمیانه کرد. مراد از نهادهای دموکراتیک، نهادهایی است که افکار عمومی جامعه را در فضای همکاری‌جویانه، کنترل می‌کنند. امریکا می‌خواست از این طریق جلوی جنبش‌های ضد استعمار را، بی‌گیرد. از جمله اقدامات دیگر امریکا در راستای سازماندهی خاورمیانه با اهداف فوق منحرف ساختن گفتمان امنیتی مبارزه با اسرائیل در خاورمیانه و بی‌اثرسازی و تجزیه هویت مقاومت در خاورمیانه است. (متقی، ۱۳۹۴: ۱۳۸)

۲. مشروعیت‌یابی اهداف استراتژیک امریکا

در دوران جنگ سرد و پس از آن حمایت امریکا از اسرائیل و دخالت امریکا در خاورمیانه مورد اعتراض کشورهای خاورمیانه قرار گرفته و دخالت امریکا در امور خاورمیانه، غیرمشروع قلمداد می‌شد. پس از جنگ سرد، امریکا تلاش کرد حضور خود را در خاورمیانه مشروع جلوه دهد و این دلیل کوشید چندجانبه‌گرایی را چاشنی سیاست خود در خاورمیانه کند و لذا در نشست مادرید ۱۳۹۳، گروه‌های مختلف شرکت داشتند.

۳. بررسی تأثیر هویت انقلاب اسلامی بر تئوری خاورمیانه

به عقیده مؤلف، شکل‌گیری خاورمیانه بزرگ، واکنشی هویت‌گرایی به انقلاب اسلامی ایران تلقی می‌شود. این حقیقت را نمی‌توان، انکار کرد؛ زیرا پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها ساختار سیاسی ایران را بلکه جهت‌گیری امنیتی کشورهای خاورمیانه را، تغییر داد، بعد از انقلاب اسلامی ایران شاهد تحرک نیروها و جنبش‌های اسلامی هستیم که در مقابل نظام‌های استبدادی و استعمار در کشورهای خاورمیانه به وجود آمد و به طور مشخص چند رویداد بزرگ در خاورمیانه، اتفاق افتاد:

۱. تشدید موج مقابله گرایی با رژیم صهیونیستی

اندیشه گفتمان جدید که بعد از انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد، اندیشه برتری طلبی و توسعه گرایی رژیم صهیونیستی را با بن بست روبرو کرد. در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان امنیتی خاورمیانه در قالب جنگ های اعراب و اسرائیل، تعریف شده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد ظهور موج ایدئولوژی اسلام سیاسی در فضای امنیتی منطقه خاورمیانه، هستیم. در این مقطع زمانی، اسلام سیاسی محور اصلی مقاومت تلقی شد.

۲. شکل گیری و تشدید نهضت های آزادی بخش

دومین اتفاق که بعد از انقلاب اسلامی رخ داد این بود که انقلاب اسلامی منجر به تشدید فعالیت گروه های انقلابی و نهضت های آزادی بخش شده و بلکه موج اجتماعی مقابله گرایی با اسرائیل را نیز در جهان اسلام، فراهم آورد.

با تمام این رفت و برگشت ها نمی توان تنها انقلاب اسلامی را پدید آورنده گفتمان خاورمیانه بزرگ دانست بلکه انقلاب اسلامی می تواند به عنوان یکی از عوامل شکل گیری خاورمیانه بزرگ، تلقی کرد.

ک. اسلام و خاورمیانه بزرگ در دوره اوباما

به نظر نویسنده کتاب «خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی» مهم ترین تحولات منطقه، ظهور اسلام سیاسی در خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری اوباما، در سال ۲۰۱۱م است. این دیدگاه خیلی دقیق به نظر نمی رسد و نمی توان ظهور اسلامی سیاسی را به دوران ریاست جمهوری اوباما، نسبت داد بلکه ظهور اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه، به خیلی از زمان های دور؛ یعنی تقریباً بعد از انقلاب اسلامی ایران، بر می گردد. فقط تبدیل شدن خاورمیانه سکولار به خاورمیانه اسلامی در دوران ریاست جمهوری «اوباما» نماد بیشتر، پیدا کرده است. پس از رسیدن «اوباما» به ریاست جمهوری امریکا، شاهد چند اتفاق مهم در خاورمیانه، هستیم:

۱. گسترش هویت گرایی اسلامی در خاورمیانه پس از جنگ سرد؛
۲. فراهم شدن زمینه های بین المللی شکل گیری خاورمیانه بزرگ؛
۳. روند بازسازی مرحله طرح خاورمیانه بزرگ؛

در این دوره «اوباما» می‌کوشد شکل جدیدی از موازنه منطقه‌ای را در خاورمیانه به وجود آورد که به کاهش تضادهای امنیتی و رویارویی گروه‌های رقیب، منجر شود. هدف اصلی او مدیریت بحران در ارتباط با موضوع صلح اسرائیل - فلسطین و ایجاد تعادل قدرت، بین بازیگران خاورمیانه است. این امر تلاش سازمان‌یافته «اوباما» جهت عبور از طرح خاورمیانه بزرگ بوش، محسوب می‌شود. (متقی، ۱۳۹۴: ۲۲۴) «اوباما» کارگزاران جدیدی را در خاورمیانه نصب کرد و در مجموع خطوط دیپلماسی او در خاورمیانه با این مشخصات توأم بود:

الف) انتخاب «جورج میچل» در مقام نماینده منطقه‌ای «اوباما» در خاورمیانه عربی؛ ب) انتخاب «دنيس رأس» در مقام نماینده منطقه‌ای «اوباما» در خلیج فارس و ایران؛ ج) موازنه گرایي محدود در برابر جمهوری اسلامی ایران؛

د) حفظ مزیت نسبی اسرائیل در خاورمیانه؛

ه) نادیده گرفتن جنایت اسرائیل در غزه توسط کابینه «اوباما».

در نتیجه به صورت کلی، سیاست‌مداران قبل از ریاست‌جمهوری «اوباما» از جمله دوره ریاست‌جمهوری بوش، پیگیری امنیت منطقه از طریق جنگ پیش‌دستانه مثل جنگ در عراق و افغانستان بود؛ این گونه مواجهه با مسأله، چالش‌های زیادی را برای امریکا به وجود آورد و بسیاری به اقدامات این کشور واکنش، نشان دادند اما در دوره «اوباما»، سیاست به‌وجود آوردن جنبش‌های اعتراضی و حمایت از شورش‌های داخلی کشورهای منطقه، در اولویت دیپلماسی امریکا قرار گرفت تا از این طریق منافع خود را در خاورمیانه، حفظ کند.

نتیجه‌گیری

از این نوشتار به دست می‌آید کتاب «خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی» برای آشنایی با نماد هویتی و فرهنگی و جغرافیای سیاسی کشورهای خاورمیانه، تدوین شده است. نیز از اهداف ایدلوثی، سیاسی امریکا و جهان غرب از سازماندهی خاورمیانه بزرگ، پرده بر می‌دارد.

در مجموع این اثر با وجود نکات مثبت و اطلاعات ارزنده‌ای که در رابطه با خاورمیانه به خواننده می‌دهد برخی کاستی‌ها هم در آن، به چشم می‌خورد؛ مانند آن که از برخی چالش‌های موجود در خاورمیانه غفلت کرده و نیز طرح خاورمیانه را به یک علت منحصر کرده است. کاستی دیگر آن در ترسیم هویت مقاومت در تاریخ سیاسی خاور میانه است و همچنین،

در تبیین روابط سیاسی خاورمیانه ضعف دارد و نشانه‌های فرهنگی هویتی خاورمیانه را به خوبی و کامل، بازتاب نداده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. استیون برک، خاورمیانه باستان گهواره تمدن، ترجمه: شهربانو صارمی، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۹۴.
۳. بارانی، محمد رضا، تشیع و خاور شناسان، انتشارات خاکریز، ۱۳۸۸.
۴. حافظیان، محمدحسین، دولت، نخبگان و توسعه در خاورمیانه، نشر دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
۵. ذاکریان، مهدی، خاورمیانه پژوهشی، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
۶. شیرودی، مرتضی، نقد بر کتاب زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، نشریه اندیشه تقریب، قم، ۱۳۸۸.
۷. عطایی، فرهاد، پژوهش‌هایی در باره خاورمیانه، آسیای مرکزی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲.
۸. فلاح زاده، محمدهادی، تاریخ تشیع در مصر، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶.
۹. کامروا، مهران، خاورمیانه معاصر، ترجمه محمدباقر قالیباف، قومس، تهران، ۱۳۸۸.
۱۰. لوئیس، برنارد، خاور میانه، ترجمه: حسین کام شاد، نشر نی، تهران، چاپ دوم ۱۳۸۶.
۱۱. متقی، ابراهیم، خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه اسلامی نماد هویت و مقاومت اسلامی، نشر کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۹۴.
۱۲. معین‌الدین، جواد، تقابل خاورمیانه اسلامی با طرح خاورمیانه بزرگ، نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۴۱ سال ۱۳۸۷.
۱۳. منسفیلد، پیترو، تاریخ خاورمیانه، ترجمه: عبدالعلی اسپهبدی، تهران، ۱۳۸۸.
۱۴. مهدی‌زاده، اکبر، بررسی ابعاد گوناگون طرح خاورمیانه بزرگ، مجله نگاه، شماره ۴۳، ۱۳۸۸.
۱۵. هوشی سادات، محمد، تاریخ سیاسی - اجتماعی خاورمیانه، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.